



شیرین پیام شهدا



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آنچه در این شماره از نشریه میخوانید:

سخن سر دبیر

مقدمه

بخشی از سخنان رهبری در مورد شهدا

چگونه شهید شویم!؟

دست خط پسر مه / به یاد شهدای گمنام

دلنوشته های شهدایی

تلنگر

معرفی کتاب

سخن آخر



## شناسنامه نشریه

**صاحب امتیاز : کانون شاهد و ایثار**

**مدیر مسئول : یاسمین صبوری دارابی**

**سر دبیر : نیلوفر زاهدی**

**مدیر اجرایی و روابط عمومی : کیانوش زارع**

**طراح و صفحه آرا : نیلوفر زاهدی**

**نشانی : فارس □ داراب □ خیابان دانشجو □**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب**

**شماره تماس جهت انتقادات و پیشنهادات :**

۰۹۱۷۴۱۶۴۸۷۲  ۰۹۰۲۶۱۷۰۴۹۸

**عنوان نشریه : پیام شهدا**

**شماره : نشریه شماره سیزدهم □ سال دوم**

**زمینه : فرهنگی / دینی / قرآنی**

**تاریخ انتشار : مهرماه ۱۴۰۲**

**محل انتشار : خانه نشریات دانشجویی شکل**

**مجمع اسلامی دانشجویان گام دومی ها**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب**

**شماره مجوز : ۲۰۰۰**

**پست الکترونیک : [payamshohada@gmail.com](mailto:payamshohada@gmail.com)**

# فهرست

- ۱ ..... آنچه شما در این نشریه میخوانید
- ۲ ..... شناسنامه نشریه
- ۳ ..... فهرست
- ۴ ..... سخن سر دبیر
- ۵ ..... مقدمه
- ۶ ..... بخشی از سخنان رهبری در مورد شهدا
- ۷ ..... چگونه شهید شویم؟! .....
- ۸ ..... دست خط پسر مه / به یاد شهدای گمنام
- ۹ ..... دلنوشته های شهدایی
- ۱۰ ..... تلنگر
- ۱۱ ..... معرفی کتاب
- ۱۲ ..... سخن آخر

## ( سخن سر دبیر )

تمام این سرزمین سرافراز ، تمام خاک این وطن ، شقایقزار است در هر کجا که هستی ، هر گوشه از این خاک قدم بر میداری ، نگاه کن که مبادا روی خون لاله ها پا بگذاری . این دیار سربلند ، فصل های سرخ و خونینی را ، پشت سر

گذاشته است . روزگاری این پهناور دلیر ، انارستان بود .

انار های عاشق ، با سینه های خونین ، در همه جا رسته بودند . خزان که نه ،

اما موسمی رسید که انار های همه بر خاک افتادند و خونشان در تمام ایران

زمین جریان گرفت . و از آن همه خون بیباک ، مرز تا مرز ، شقایق روید .

و سرافرازی و سربلندی رواج گرفت . شهدا همیشه هستند . کبوتر بودند آنها

که ناگاه پر کشیدند و در آسمان ، به آرامش ابدی رسیدند . کبوترانی که در

در یک سحرگاه ، ندای رستاخیز در گوششان طنین افکن شد و با کوله باری

از اخلاص بر دوش ، لبیک گوی دعوت معبود شدند . اگر چه رد پای رفتنشان

تا ابد بر شانه های زمانه باقی است ؛ آنها همیشه هستند و جاده هایی که فرا

روی ما گستر دند ، تکلیف تمام لحظه هایمان را روشن کرده است . رفتن همیشه

تلخ نیست . گاه رفتن ها از همان آغاز ، موعید رسیدن است . پرپر شدن همیشه

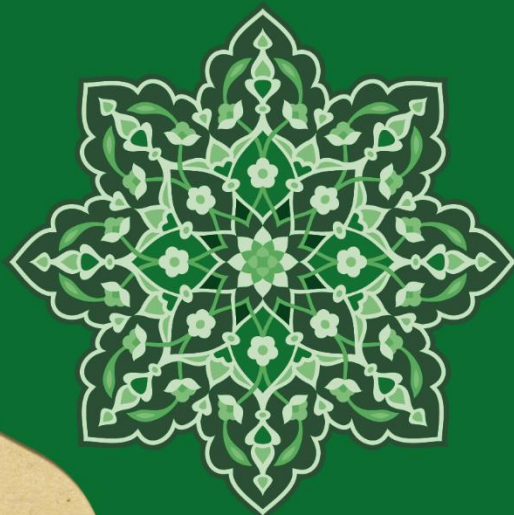
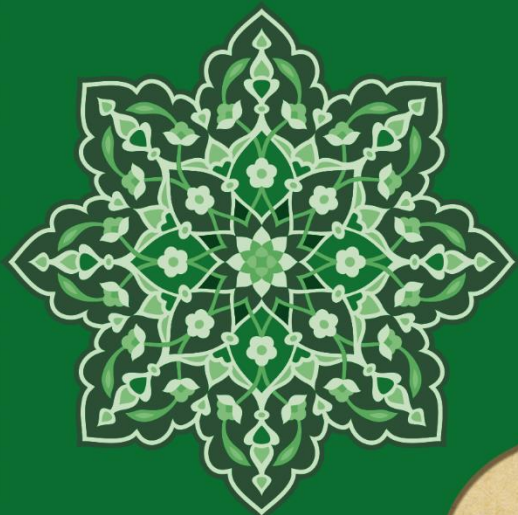
اشکالود نیست ؛ گاه حماسه های زبازند است . باید این خاک فرارفته تا آسمان

را که میراث شهید و بیباک است ، با دست های خداخواهی و باور بی تردید در

آغوش بگیریم و پاسدار این مرز رو به خدا باشیم .

## مقدمه

به نام خدای شهیدان که شهادت را آخرین مرحله رشد و تکامل یک انسان والا قرار داد .  
سلام بر مهدی موعود ( عج ) . بر پرچمدار حق که با ظهورش ، جهان را پر از عدل و داد  
می کند و با درود بی کران بر نایب حقش ، مجاهد کبیر ، امام خمینی ( ره ) و حضرت  
آیت الله خامنه ای ( معظم له ) که با وجودشان و یاری گرفتن از خدای عزوجل ، به  
ما روحی دوباره بخشید و چگونه زیستن و چگونه جهاد کردن با ظلم را ، تعلیم دادند و  
پرده ظلم را کنار زدند . سلام بر ارواح طیبه شهدا از صدر اسلام تا کنون به خصوص  
سالار شهیدان آقا ابوالفضل حسین علیه السلام که چگونه مردن را آموخت .  
سلام بر امت شهید پرور ایران که زینب گونه عمل کردند و دانستند تکلیف چیست و این  
را از کوچکی آموختند و پیام قرآن و شهیدان را به گوش همه مستضعفین جهان رساندند  
و با روح ایثار و فداکاری و الگو بودن در اعمال و اخلاق خود حافظ بودند و هستند .  
ای خواهرانم، زینب زمان باشید و از آنچه هوس کردید پرهیزید و در راه خدا مبارزه  
کنید. ای برادرانم، راه خدا بهترین و برترین راه هاست. به امید اینکه پوینده و کوشنده  
در این راه باشیم که ضامن آن پیروی از ولایت فقیه است .



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



### گزیده ای از سخنان رهبری در مورد شهدا



- \* شهادت بدین معنا است که یک انسان برترین و محبوبترین سرمایه‌ی دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است.
- \* گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست.
- \* شهدا این هدیه‌ی الهی را آسان و رایگان به دست نیاوردند؛ به قیمت مجاهدت به دست آوردند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد.
- \* شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این خیلی با عظمت است.
- \* خاصیت کشته شدن در راه خدا این است که انسانی جان خود را، صرف میکند برای یک هدف و مقصد الهی و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور او را در ملت او تداوم میبخشد و یاد، فکر و آرمان او زنده می ماند.





## چگونه شهید شویم؟!

به این جملات به خوبی دقت کنید :

● شهادت بالاترین مدال آسمانی برای اهل زمین است .

● شهادت مزد و پاداش زندگی مجاهدانه است .

● اگر کسی اهل مجاهدت در انواع جهاد باشد ، مزد و پاداش او شهادت در راه خداست .

کسی که میخواهد شهید شود چه مرد و چه زن ، مسیرش فقط و فقط جبهه و جنگ و تیر و ترکش نمیگذرد . جنگ نظامی برای همه و در همه زمان ها و مکان ها نیست بلکه اگر او در طول عمر ، زندگی مجاهدانه ای داشته باشد ، شهادت خود به استقبال او می آید . همانگونه که در مورد شهید صیاد شیرازی ، شهید احمدی روشن ، شهید رضایی نژاد و بسیاری دیگر از شهدا اتفاق افتاد . بنابر این نیاز نیست عاشقان شهادت با اصرار فراوان ، راه رفتن به سوریه را برای رسیدن به شهادت بیازمایند . ( البته حضور به قدر کفاف نیاز است ) شهادت مقامی است که اولیای خدا به آن میرسند و ممکن است کسی در بستر بیماری بمیرد ولی به مقام

شهادت رسیده باشد . به روایتی زیبا در این زمینه اشاره میکنیم :

امام صادق علیه السلام فرمودند : نیست هیچ مانعی وحشتناک تر و هیچ مقامی تیره تر ، میان بنده و پروردگار ، از نفس اماره و خواهش های او ؛ یعنی : این دو چیز بیشتر از همه بنده را از خدا دور میکنند و قلع و قمع این دو میسر نیست مگر به پناه بردن به پروردگار و عجز و استغاثه به او نمودن . پس اگر در حین این نبرد و جهاد با نفس ، موت به او رسید و دعوت حق را اجابت نمود ، پاداش و اجر گرفته و ثوابش برابر ثواب شهید است . و در قیامت با شهدا محشور می شود و اگر زیست و به همین حال ماند ، و انحرافی در او راه نیافت ، عاقبت او رضوان اکبر است که رضای الهی باشد .

منبع: گزیده‌ای از کتاب سوره‌های سخن ۱۰

(سبک زندگی مجاهدانه) استاد ماندگاری



پیکر پسر



پیکر یکی از شهدا به نام «احمدزاده» را که براساس شواهد دوستانش، پیدا کرده بودیم، هیچ پلاک و مدرکی نداشت. تحویل خانواده اش دادیم. مادر او با دیدن چند تکه استخوان، مات و مبهوت، فقط می گفت: «این بچه من نیست!» حق هم داشت. او در همان لحظات، تکه پارچه های لباس شهید را می جست که ناگهان چیزی توجه اش را جلب کرد. دستانش را میان استخوان ها برد و خودکار رنگ و رو رفته ای را در آورد. با گوشه چادر، بدنه خودکار را پاک کرد. سریع مغزی خودکار را درآورد و تکه کاغذی را که داخل بدنه آن لوله شده بود، خارج ساخت. اشک در چشمانش حلقه زد. همه متعجب شده بودند که چه شده. دیدیم بر روی کاغذ لوله شده نوشته شده: «احمدزاده». مادر آن را بوسید و گفت: «این

دست خط پسر، این پیکر پسر، خودشه.»



پیکر پسر

در طلائیه کار می کردیم. برای ماموریتی به اهواز رفته بودم. عصر که برگشتم، دیدم بچه ها خیلی شاد هستند. آنها سه شهید پیدا کرده بودند که فقط یکیشان گمنام بود. بچه ها خیلی گشتند. چیزی همراهش نبود. گفتم يك بار هم من بگردم. آن شهید، لباس فرم سپاه به تن داشت. چیزی شبیه دکمه پیراهن در جیبش نظرم را جلب کرد. خوب دقت کردم دیدم يك تکه عقیق است که انگار جمله ای روی آن حك شده است. خاك و گل ها را کنار زدم. رویش نوشته شده بود: «به یاد شهدای گمنام» دیگر نیازی نبود دنبال پلاکش بگردم میدانستم که این شهید باید گمنام بماند خودش خواسته!



# ( دُلنوا شته )

\* شهدا برگی از کتاب مقدس ایران هستند. و شهدای گمنام، سر مقدمه همه عرصه ها هستند. آنهایی که از همه چیز گذشتند از مال، جان، نفس و حتی اسم خود گذشتند تا یک وجب از خاک به دست دشمن نیفتند. و ما امروز در این برهه از زمان، باید یاد کنیم از شهدای گمنام که تکه استخوانی هویتش شده، و حتی مادری نیست که بر سر مزارش گریه کند و حتی مزارش هم گمنامی دارد و چشم انتظار دیدن قدم های ما هستند که در جامعه چه طور است.

شهدای گمنام از هر زنده ای، زنده ترند و پیش خدای خود روزی می خورند و ما در حسرت نگاه آنها، شب ها را به روز سپری میکنیم. با خود می گوییم شاید آفتاب شهدای گمنام از غرب به شرق طلوع میکند. به راستی باران صداقت آنها از کدام آسمان باریده است. به خود مینگریم که آیا می شود از سیم های خاردار دنیا و آخرت گذشت یا خیر؟ .....

کیانوش زارع رشته مهندسی شیمی

مقطع کارشناسی

\* صدای تیر، تفنگ، خمپاره می آید. صدای باد، نغمه مادر، آنجا که پوتین هایت قامت قلم را می شکند. تو با ماه شهر را ترک گفته ای، بعد از تو کوچه هم غمگین است. بند پوتین هایت را محکم بسته بودی، که باید سفر میرفتی و قلم هنوز خمیده می خواند. درود...

یاسمین صبوری دارای رشته آموزش ابتدایی

مقطع کارشناسی

\* اگر شهید نباشد، خورشید طلوع نمی کند و زمستان سپری نمی شود. اگر شهید نباشد، چشمه های اشک می خشکد، قلب ها سنگین می شود و دیگر نمی شکند و سر نوشت انسان به شب تاریک شقاوت و زمستان سرد قساوت انتها می گیرد و امید صبح و انتظار بهار در سراب یأس گم می شود. اگر شهید نباشد، یاد خورشید حق در غروب غرب فراموش می گردد و شیطان، جاودانه کره ی زمین را تسخیر می کند.

مهتاب نعمتیان رشته آموزش ابتدایی

مقطع کارشناسی

# تلنگر

به قول حاج حسین یکتا :

دنیا دنیای تیپ زدنه فقط مهم لینه کی برای کی تیپ میزنه !!

شهدا یه جوری تیپ زدن که خدا نگاهشون کرد . اما فقط یه چیزی ...

آقا پسر ....الگوت حضرت علی ( ع ) بود . حواست هست ؟همون امیرالمؤمنین

که به دخترای جوون سلام نمیکرد . مگه قرار نبود صحبت با نامحرم در حد ضرورت

باشه ؟ پس این چت کردنا و .....چی میگه ؟

دختر خانم ... وارث ارثیه حضرت زهرا ( س ) شما چی ؟ حواست هست ؟؟

خود حضرت زهرا ( س ) جلوی یه مرد کور حجابشو رعایت میکرد ....

چشمات قشنگه ، صورتت زیباست .. میدونم همه اینا رو .....

ولی قرار نبود زیبایی هاتو بذاری برا هر کسی...پس این پروفایل و اینا چی میگه ؟

قراربود یار باشیم...قرار بود منتظر باشیم... قرار بود راه شهدا رو ادامه بدیم ...

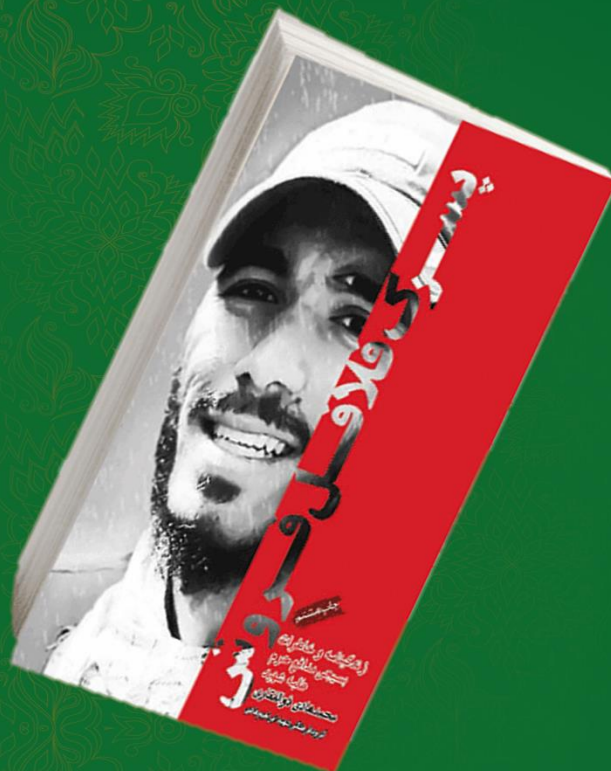
قرار بود برا رفیق شهیدمون مرام بذاریم ولی قرار نبود به مجازی باخت بدیم

اومدیم تو صحنه جنگ با دشمن تا مقاومت کنیم....

گفتیم جنگ نرم ...

ولی نرم نرم خودمون داریم وا میریم .....

# معرفی کتاب:



## پسرک فلافل فروش

(پسرک فلافل فروش) عنوان کتابی است که در بر دارنده زندگینامه و خاطرات بسیجی مدافع حرم، طلبه شهید محمد هادی ذوالفقاری است. شهید ذوالفقاری، روز بیست و ششم بهمن ۱۳۹۳، در سامرا به فیض شهادت نائل آمد. (پسرک فلافل فروش) حاوی مجموعه خاطراتی از پدر، مادر، خواهر و جمعی از دوستان و آشنایان شهید در ایران و عراق، از دوران کودکی تا زمان شاد است و عنوان کتاب نیز برگرفته از عنوان یکی از همین خاطرات می باشد. این کتاب در ۱۶۰ صفحه منتشر شده و علاوه بر خاطرات، در انتهای کتاب، تصاویر شهید ذوالفقاری نیز چاپ شده است.





## سخن آخر

می خواهند یاد شهدا احیا نشود ؛ نگذارید ...

حضرت آیت الله خامنه ای :

دشمنان میخواهند یاد شهدا احیا نشود برای اینکه جاده شهدا کور بشود .

تجربه کرده اند که وقتی نام شهدا با عظمت برده می شود ؛ جوان امروز که نه جنگ را دیده و نه

دوره امام را ، وقتی می فهمد که یک جایی در آن طرف منطقه دارند با دشمنان می جنگند بلند می شود ،

می روند حلب ، بوکمال ، زینبیه بنا می کنند .....

می جنگند .....

و به شهادت می رسند .....